

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال ششم، شماره پیاپی ۱۸، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۷

صص ۷۲-۵۱

تحلیل مکانیزم‌های سپتد مؤثر بر امنیت و کاهش بزه در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان)

جواد حاجی علیزاده، گروه جغرافیای دانشگاه فرهنگیان، پردیس علامه امینی تبریز، ایران*

تقی حیدری، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران

اصغر رشیدی ابراهیم حساری، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران

چکیده

پیشگیری از جرم مسئله مهمی است که مردم، قرن‌ها با آن درگیر بوده‌اند؛ بنابراین، جلوگیری از آن برای اصلاح زندگی مردم در دنیای گسترده ضرورت دارد. امنیت مفهومی است که تأثیر فراوانی بر میزان رضایتمندی مسکونی خانوار و جابه‌جایی ساکنان از محله‌های مسکونی‌اشان دارد؛ بدین منظور، هدف از نگارش این پژوهش درک مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت در بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان است. این موضوع در بافت فرسوده این شهر به دلیل وجود بعضی از مسائل مانند ریزدانی، تراکم زیاد جمعیتی، وجود کاربری‌های جاذب سفر و... با مشکل روبه‌رو است و به همین دلیل، مطالعه موردی آن اهمیت دارد. نوع پژوهش براساس ماهیت از نوع توصیفی تحلیلی و در تبیین و پیشینه تحقیق و ارائه مدل از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. همچنین، به منظور اولویت‌بندی عناصر تأثیرگذار بر وضعیت حاکم بر امنیت بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان، از معادلات ساختاری لیزرل (Lisrel) استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت امنیتی بافت فرسوده بخش مرکزی شهر به ترتیب از سازوکارهای شاخص مدیریت و نگهداری فضا، امنیت فیزیکی محیط، قلمروگرایی، تصویر فضا، نظارت طبیعی و خط دید تأثیر گرفته است.

واژه‌های کلیدی: بافت‌های فرسوده، امنیت، احساس امنیت، شهر زنجان.

Email: j.h.alizadeh2010@gmail.com

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۴۶۲۹۹۳۵۲

Copyright©2017, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

مقدمه و بیان مسأله

یکی از ضرورت‌های پیدایش و تداوم شهر، آرامش و آسایشی است که انسان شهرنشین از سکونت در چنین فضایی به دست می‌آورد؛ زیرا شهر کانون و بستر اصلی رشد و تکامل انسانی است. روند تاریخی شکل‌گیری شهر نشان می‌دهد که بیشتر ابداعات و نوآوری‌ها در تمام ابعاد زندگی انسان در سایه آرامشی خلق شده که شهر و فضای شهری آن را به وجود آورده است. ناامنی و اضطراب اجتماعی مانع از رشد و توسعه می‌شود و زمینه را برای عقب‌ماندگی اجتماعی فراهم می‌آورد؛ براین اساس، آرامش و احساس امنیت شهری ضرورتی انکارناپذیر و بی‌توجهی به آن، بی‌توجهی به رشد، تکامل و توسعه انسانی است. استقرار امنیت در شهرها مستلزم برقراری امنیت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیطی، قوانین و مقررات و ابعاد مدیریتی است. بیشتر نظریه پردازان شهری درباره توجه به امنیت شهری به صورت بستر اساسی برای ایجاد ارتباطات اجتماعی و ارائه خدمات عمومی و در نتیجه، ایجاد شهری پایدار و سالم، اتفاق نظر دارند و بی‌تردید بدون توجه به این عامل، وضعیت توسعه مناسب و پایدار شهری فراهم نمی‌شود. امنیت شهری پایدار در چارچوب توسعه شهری پایدار به استحکام روندهای توسعه کمک می‌کند و به معنی برآیند و حاصل جمع پایداری در رفع تهدیدات امنیت شهری در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی است. فضاهای شهری نیز به شکل بستر زندگی و فعالیت شهروندان باید بتوانند باتوجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های میان افراد و گروه‌های سنی، اجتماعی و جنسی، محیطی امن، سالم، پایدار و جذاب را برای همه افراد فراهم کنند و به نیاز تمامی اقشار اجتماعی پاسخ مناسب بدهند یا دست کم پاسخگوی حداقل نیازها باشند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین مباحث شهرهای زیست‌پذیر که طی سال‌های گذشته، مدنظر برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گرفته، مقوله امنیت شهر و احساس امنیت شهروندان به دلایل گوناگونی مانند تراکم جمعیت و کاهش روابط چهره به چهره انسانی است. وجود

امنیت در محیط‌های شهری یکی از الزامات اساسی کیفیت زیست شهروندان محسوب می‌شود (صالحی، ۱۳۸۳: ۲۳). به عبارتی، امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌رود؛ به طوری که با زوال آن، آرامش خاطر انسان از بین می‌رود و تشویش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد. برطرف شدن بسیاری از نیازهای آدمی در گرو تأمین امنیت است (به نقل از حیدری و کلانتری، ۱۳۹۳). از نگاه جان نی موزر، امنیت یعنی رهایی نسبی از تهدیدات زیان‌بخش (بوزان، ۱۳۷۸: ۶۵). از دیرباز شناسایی عوامل محیطی و مکانی بروز بزه و سعی در از بین بردن این عوامل و کاهش تأثیرات آن، مهم‌ترین راهکار افزایش ایمنی و پیشگیری از وقوع ناهنجاری‌ها شناخته شده است؛ زیرا ناهنجاری‌های اجتماعی به هر نحو که از انسان سر بزنند، بستر ظرف مکانی و زمانی خود را دارد که این رفتارها را از هم متمایز می‌کند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳). فضاهای شهری بیشترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی دارند؛ بنابراین، نقش بسزایی در هویت‌بخشیدن و یا احساس آرامش شهروندان دارند. امنیت اجتماعی با فضا و ماهیت آن ارتباط معناداری دارد (کلارک، ۱۳۸۷: ۲۵) چنان‌که یکی از مهم‌ترین محدوده‌های تراکم بزهکاری و ناامنی (کانون‌های جرم‌خیز) در شهرهای ایران، بافت‌های فرسوده شهری هستند. به عبارتی، این محدوده‌ها از جمله مهم‌ترین مناطق پرتراکم و پرمسئله شهری از نظر کالبدی‌اند که با ویژگی‌هایشان به نحوی محرک بروز جرم هستند و تأثیر مهمی بر رفتارها و فعالیت‌های اجتماعی هنجار یا ناهنجار شهروندان دارند. تمرکز شدید رفت و آمد و فعالیت به همراه ساختار فضای درهم، موجب شده است نسبت رفتارهای ناهنجار در این بخش از شهر بیشتر باشد. بافت فرسوده مرکزی شهر زنجان، باتوجه به نوع کاربری‌ها، انباشتگی کارکردها، نقش و عملکرد خاص خود و از جمله قرارگیری بازار سنتی و سایر کاربری‌های تجاری و نیز حضور بیشتر جمعیت به‌ویژه در ساعات روز، یکی از کانون‌های وقوع رفتارهای ناهنجار اجتماعی بوده است؛ اما باوجود این مسائل، این بافت به علت داشتن موقعیت،

تئوری هرم نیازهای خود، امنیت را به صورت یکی از نیازهای ضروری و پایه‌ای برای تعالی انسان تلقی می‌کند، درست شبیه نیازهای فیزیولوژیکی انسان که برای تداوم حیات ضرورت دارد و در مجموع، ارتقای این مؤلفه بر سلامت و سعادت انسان‌ها و در نتیجه، جامعه تأثیر مستقیمی می‌گذارد (مازلو، ۱۳۷۵). بیشترین توجه به امنیت در محیط‌های شهری با تحقیقات نویسنده‌گانی مانند جیکوبز (1961) جفری (1971) و نیومن (1973) در دهه‌های 1960 و 1970 ادامه پیدا کرد (ذبیحی و همکاران، ۱۳۹۲).

جین جیکوبز، نخستین فردی بود که به ارتباط بین تعاملات انسانی، طراحی شهری و پیشگیری از جرم با یکدیگر اشاره کرد. جیکوبز، در تبیین امنیت شهری به تعامل فضای فیزیکی و فرایندهای اجتماعی محیط‌ساز توجه کرده و بر فعالیت فضا به شکل عاملی در ایجاد یک محیط امن و موفق تأکید کرد (الیاس‌زاده مقدم و ضابطیان، ۱۳۸۹). او ایجاد حرکت، استفاده‌های فعال از سطح خیابان و فعالیت‌های خیابان و مراقبت‌های طبیعی از این فعالیت‌ها را مؤلفه‌هایی برای ساختن یک محیط خوب شهری قلمداد می‌کند. ایده بنیادی او این بود که یک فضای شهری امن است اگر پوشش جمعیتی مناسب داشته باشد یا چشم‌های ناظر زیادی در آن فضا وجود داشته باشد (Jacobs, 1987). هنگامی که جیکوبز امنیت را در شلوغی فضاهای عمومی مشاهده کرد، اسکار نیومن، با این استدلال که فضاهای خصوصی حتی امن‌تر هستند، یک پله جلوتر رفت. نیومن، معتقد بود یک فضای کوچک‌تر و خصوصی‌تر، ساکنان را به گسترش دامنه کنترلشان روی فضا تشویق می‌کند؛ به گونه‌ای که به کاهش جرم منجر خواهد شد. او در مطالعه‌ای در شهر نیویورک به این نتیجه رسید که میزان جرم در آپارتمان‌های بلندمرتبه موجود، نسبت به پروژه‌های مسکونی کم‌ارتفاع رشد زیادی دارد. او این‌طور استنتاج کرد که این مسئله به این علت است که ساکنان، هیچ‌گونه کنترل یا مسئولیت شخصی برای فضای اشغال‌شده از جانب افراد زیاد، احساس نمی‌کردند. نیومن و جیکوبز، هر دو اعتقاد داشتند که موفقیت یک فضای قابل دفاع، وابسته به

تسهیلات زیرساختی، امکانات و دسترسی مناسب به سایر بخش‌های شهری مهم‌ترین محل برای ارائه خدمات متنوع به شمار می‌رود. علاوه بر آن، اهمیت اقتصادی، ارتباطی، هویتی، تاریخی (شامل ۱ مجموعه تاریخی بازار و ۲۱ واحد معماری و ابنیه تاریخی) زیبایی شناختی و اهمیت کالبدی (نقطه هم‌گرایی شبکه ارتباطی و فعالیت‌ها) بافت فرسوده مرکزی شهر و محوریت آن در روند توسعه شهری جایگاه ویژه‌ای دارد. وجود چنین پدیده‌هایی، خصلت و قدرتی مرموز و منفی و درعین حال، نیرومند به این بخش از شهر بخشیده است؛ زیرا بافت فرسوده بخش مرکزی محل پویایی و مرکز ثقل، رونق بازار و جلوه‌های هنری و معماری هویت محله‌ای است؛ بنابراین، پژوهش حاضر می‌کوشد وضعیت حاکم بر امنیت و عوامل موثر بر آن را ارزیابی کند. در آینده، درک این عوامل ممکن است زمینه مناسبی برای وضعیت مناسب فضای امن بافت فرسوده شهر فراهم کند. باتوجه به مباحث مطرح شده، پرسش‌های اصلی این است: عوامل و فرایندهای مؤثر بر وضعیت امنیتی بافت فرسوده شهر زنجان کدام‌اند، و کدام راهکارها بر امنیت و احساس امنیت این بافت مؤثر هستند.

پیشینه پژوهش

نخستین نظرها در زمینه امنیت شهری مطالعات مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو بود که باتوجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی، مناطق مختلف شهر را بررسی کرده بود و بر این عقیده بودند که مطالعه رفتار ساکنان شهری در قالب محیط‌های شهری امکان‌پذیر است. به باور آنان ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در جرم‌خیز بودن منطقه تأثیرگذار است. استارک، از پژوهشگران مکتب شیکاگو در سال 1925 پنج جنبه از ساختار شهری را جزو فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده ارتکاب جرم در محلات بر شمرد که عبارت‌اند از: تراکم، فقر، کاربری مختلط، جابه‌جایی مداوم، خرابی و فروریختگی ساختمان‌ها (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۶). چندین سال بعد، مازلو در سال 1968 در

کمک مؤثری به پیشگیری از جرم کرده است: طراحی مناسب‌تر محیط‌های شهری همراه با امکان کنترل اجتماعی و نظارت غیررسمی شهر، شناسایی کانون‌های جرم خیز، کنترل بهتر این مکان‌ها و تغییر آنها به فضاهای مقاوم در برابر جرم. علت آن است که این نظریه، یک دیدگاه کلی برای کاهش فرصت ارتکاب هرگونه جرم، اعم از هواپیمارمایی، کلاهبرداری، تماس تلفنی شرم آور، خشونت در محیط‌های عمومی یا خانوادگی و... ارائه داده است.

مطالعات و تحقیقات در زمینه تأثیر محیط بر رفتارهای مجرمانه در کشور ما بسیار دیرتر از کشورهای غربی شروع شده، اما طی سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی در زمینه بزهکاری و تأثیر محیط بر وقوع انواع آن، انجام شده است. از جمله جغرافی‌دانان پیشگام در این زمینه دکتر حسین شکویی، دکتر کی‌نیا، و دکتر مافی هستند که پژوهش‌های آنان، راهگشای دیگر پژوهش‌ها در این خصوص بوده است. در سال‌های اخیر نیز تحقیق‌های زیادی در رابطه با تأثیر محیط بر بزهکاری انجام شده است؛ بر این اساس، مهم‌ترین این بررسی‌ها در قالب رساله‌های دانشگاهی، مقالات و پژوهش‌های موردی تفکیک می‌شوند که به این شرح‌اند:

- محسن کلانتری و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «تحلیل فضای الگوهای بزه سرقت در بخش مرکزی شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)» نشان داده‌اند که توزیع فضای جرائم مدنظر در شهر زنجان، از الگوی خوشه‌ای و متمرکز پیروی می‌کند و مهم‌ترین کانون جرائم مرتبط با مواد مخدر در این شهر، منطبق بر منطقه اسکان غیررسمی بی‌سیم (بافت فرسوده) است. این منطقه، از محدوده‌های پرمسئله شهر زنجان از نظر کالبدی جمعیتی و با میزان زیاد تراکم و محدودیت‌های زیاد از نظر سرانه‌های خدماتی، تجهیزات و تأسیسات شهری است؛ به گونه‌ای که بسیاری از کاربری‌های ضروری یا در این منطقه وجود ندارد یا با کمبود شدید مواجه است. به نظر می‌رسد از منظر جغرافیایی برای افزایش ایمنی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی در این محدوده، نیاز به طراحی مجدد فضاهای بدون

نظارت و پایشی است که به وسیله ویژگی فضایش به آن القاء می‌شود. همچنین، در سال ۱۹۶۹ جفری، نخستین کسی بود که عبارت «پیشگیری از جرم و جنایت از طریق طراحی شهری» را به کار برد. او بر برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی برای کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت. به نظر او مراقبت‌های طبیعی شهروندان از طریق طراحی ساختمان‌ها و فضای شهری عامل مهم کنترل جرائم شهری است (COZEN, 2000: 10). به نظر جفری، جامعه‌شناسان به میزان چشمگیری درباره عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم از قبیل محرومیت، تأثیرات فرهنگی، خانواده و... اغراق کرده‌اند و به عوامل بیولوژیکی و محیطی توجهی نکرده‌اند. تأکید او بر فرصت‌هایی است که محیط در اختیار بزهکاران قرار می‌دهد و جرائم گوناگون را ناشی از این فرصت‌های محیطی می‌داند (به نقل از حیدری و کلانتری، ۱۳۹۳).

در سال ۱۹۷۳ اسکار نیومن، در زمینه اندیشه‌های پیشگیری از جرم، دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم (فضای قابل دفاع) را مطرح کرد. مطالعه نیومن، پاسخی به میزان زیاد جرائم در شهرهای آمریکا بود. به اعتقاد او فضاهای مقاوم در برابر جرم، امکان مناسبی برای بازساخت محیط مسکونی شهرها فراهم می‌آورد؛ تا بدین وسیله محیط امن و سالمی در شهرها برای زندگی ساخته شود. او باور داشت ایجاد تغییرات فیزیکی در محیط برای کاهش جرم، بیشتر واکنش مجرمان را بر می‌انگیزد؛ به طوری که بزهکاران، مجبور به تغییر در رفتار خود یا تغییر محل ارتکاب جرم می‌شوند (عبداللهی حقی، ۱۳۸۳: ۴۲).

پل برانتینگهام و پاتریشا برانتینگهام، پژوهشی در سال ۱۹۸۱ در خصوص توزیع فضای جرم با توجه به نوع کاربری‌ها در شهرها انجام داده‌اند که براساس آن، دریافتند فعالیت‌های غیرقانونی بیشتر در نزدیکی شریان‌های اصلی حمل و نقل و شاهراه‌ها متمرکز است. همچنین، در مسیرهای بین میادین و چهارراه‌ها که عملکردهای گوناگون دارند، میزان بسیار زیادی از جرائم اتفاق می‌افتد. این نتایج از طریق این عوامل،

حیدری و کلاتسری (۱۳۹۳) در پژوهش خود «آسیب‌شناسی بافت‌های تاریخی شهرها در برابر بزهکاری با تأکید بر بازار سنتی زنجان» نشان داده اند در بافت سنتی این شهر و به طور مشخص در محدوده بازار سنتی زنجان، بروز بزهکاری و به ویژه بزه سرقت بسیار زیاد است و این امر، ریشه در تأثیرات غیرقابل انکار عوامل درونی و بیرونی دارد.

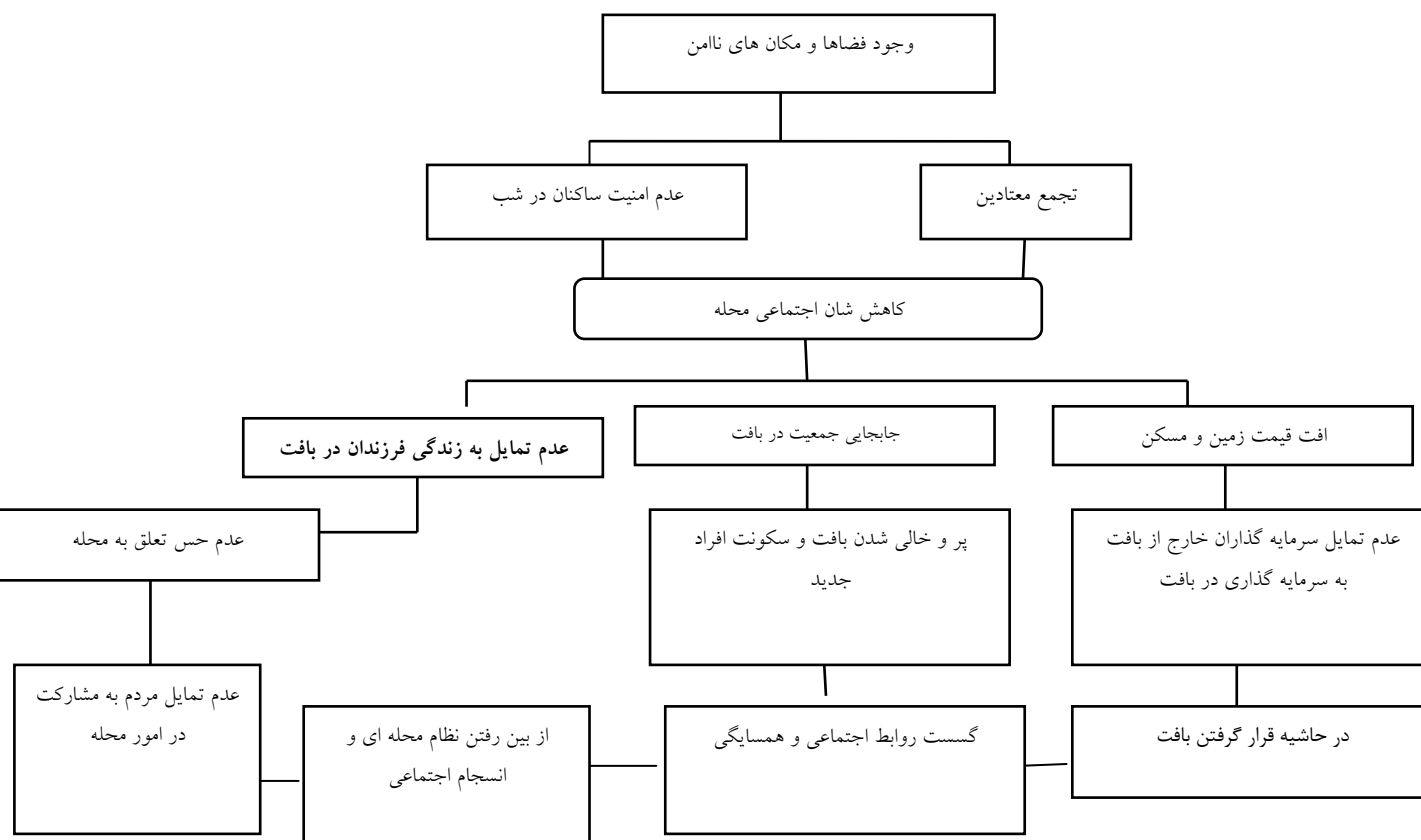
چارچوب نظری

امنیت از جمله مفاهیم مطرح در علوم انسانی است که مانند بسیاری مفاهیم دیگر (جامعه، فرهنگ، ارزش و...) پیچیدگی دارد؛ بر این اساس، در تمام دوران حیات بشر بر پهنه هستی، از عناصر اصلی نیازهای انسانی محسوب شده و در دوران مدرن، اهمیت این امر تا اندازه ای افزایش یافته که به تعبیر بعضی افراد، کار ویژه بی‌بدیل حکومت‌ها در جامعه مدرن امروزی و عصر مدرنیته، ایجاد و حفظ امنیت در معنای وسیع آن است (عبدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۸۸). به این ترتیب، امنیت پیش‌زمینه یک اجتماع سالم و احساس امنیت بستر ساز توسعه جوامع انسانی است، به طوری که سعادت یک جامعه در گرو حفظ و بقا امنیت و احساس ناشی از آن است (قرایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵) همچنین، ارضای نیازهای امنیت مستلزم پایداری و رهایی از ترس و اضطراب است (دورودی، ۱۳۸۲: ۲۶). مفهوم فضای شهری امن در مقابل مفهوم فضای شهری ناامن قرار دارد. پدیده ناامنی دو جنبه عینی و ذهنی دارد و کلیه عرصه‌های زندگی را در بر می‌گیرد. مقوله ناامنی از جنبه عینی، کلیه مظاهر ناامنی از جمله سرقت، قتل، خشونت و... را شامل می‌شود و از جنبه ذهنی، شامل داوری درباره امنیت منطقه و فضا است (صالحی، ۱۳۸۷ به نقل از قرایی، ۱۳۸۹: ۱۹). از این دیدگاه، وجود امنیت در یک جامعه به همان اندازه احساس امنیت و امنیت روانی در آن، مهم است؛ البته بعضی از کارشناسان احساس امنیت را مهم‌تر از وجود امنیت می‌دانند که سخنی به‌جاست (تاجران و کلاکی، ۱۳۸۸: ۵۶۵).

دفاع، ساماندهی فضاهای متروک و رها شده و تعادل بخشی به سرانه کاربری‌ها بیش از همه احساس می‌شود.

- افراخته و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «جدایی‌گزینی فضا و نابهنجاری‌های اجتماعی بافت فرسوده مطالعه موردی باباطاهر شهر خرم‌آباد» مسائل اجتماعی بافت فرسوده را بررسی کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که به‌رغم وجود میراث فرهنگی باارزش در محله، به دلیل بهسازی نامناسب اقشار مرفه محله را ترک می‌کنند و تمرکز اقشار مختلف فرهنگی نابهنجاری‌های اجتماعی را افزایش می‌دهد.

- قمصری و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود «بررسی تأثیر نوع و میزان کاربری اراضی در شکل‌گیری الگوهای فضای بزهکاری مورد مطالعه (جرائم مواد مخدر در بخش مرکزی شهر تهران)» معتقدند از مهم‌ترین مشکلات بخش مرکزی شهر تهران، اجرای نادرست اصول و ضوابط برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری و توزیع نامتعادل کاربری‌ها در این بخش از شهر است. این موضوع، مسائل کالبدی اجتماعی را در این بخش از شهر تهران به وجود آورده است. در برخی از کاربری‌ها به‌ویژه کاربری‌های تجاری و خدماتی رخداد جرائم بیشتر از سایر کاربری‌ها است. تراکم زیاد جمعیت و فعالیت‌ها و همچنین، ازدحام و شلوغی جمعیت در طول روز در برخی کاربری‌های خاص و در خیابان‌های مجاور آن، موجب می‌شود کانون تمرکز بزهکاری در این مکان‌ها شکل بگیرد که این امر، در نتیجه ترکیب با این مسائل و مشکلات، به کاهش فزاینده سکونت، شتاب در تغییر کاربری اراضی مسکونی و از همه مهم‌تر میزان زیاد بزهکاری به‌ویژه جرائم مرتبط با مواد مخدر، منجر می‌شود: فرسودگی بافت و بناها، زیرساخت‌های نامناسب، نفوذناپذیری ضعیف بلوک‌های شهری، کیفیت نازل محیطی و انواع آلودگی‌ها، اغتشاش سازمان فضایی، ناخوانایی ساختار کالبدی، گریز ساکنین قدیمی و اصیل بخش مرکزی به دیگر نقاط شهر و جایگزینی مهاجران کم‌درآمد و مجرد در این بخش از شهر، کمبود فضای سبز و باز، وجود مشاغل کاذب و غیررسمی و تراکم شدید فعالیت‌های تجاری.



نمودار ۱- روابط علی و معلولی مشکلات و معضلات حاصل از ناامنی محیطی در محله

مأخذ: عسگری تفرشی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۲.

عمده، اشاره می شود. چنان که در جدول آمده است هدف، حوزه معنای امنیت، رویه و ابزارهای امنیتی برحسب مکاتب تفاوت می کند، همچنین، هریک از این مکاتب قصد دارند برای جنبه خاصی از زندگی اجتماعی ایمنی را تأمین کنند (جدول ۱).

قلمرو امنیت برحسب مکاتب

مکاتب امنیتی به سه دسته عمده و اساسی پوزیتیویست^۱، سازه‌انگاران^۲ و مکاتب پست پوزیتیویست^۳ تقسیم شده‌اند (عبداللهی حقی، ۱۳۸۳: ۱۸۳) که به ترتیب بر امنیت وجودی^۴، امنیت رفاهی^۵ و امنیت معنابخش^۶ تأکید دارند (سیف زاده، ۱۳۸۳: ۱۵). این مکاتب، صاحب‌نظران متعدد با چشم‌اندازهای نظری مخصوص به خود دارند که در عین داشتن اصول موضوعی مشترک، تفاوت‌هایی نیز در آنها هست؛ اما در مقاله حاضر، مجال پرداختن به تمامی آنان نیست. بنابراین، به تعدادی از اصولی متمایزکننده اساسی میان این سه مکتب

^۱ Positivism

^۲ Constructivist Security Studies

^۳ Post Positivism

^۴ Existential Security

^۵ Welfare Security

^۶ Signifying Security

جدول ۱- قلمرو امنیت برحسب مکاتب

امنیت	پوزیتیویست	سازه‌انگاران	پست پوزیتیویست
هدف	بقا و حفظ وضع موجود	توسعه و تغییرات لازم	بازیابی و بهزیستی
معنا	نظم‌بخشی	آسایش‌بخشی	آزادپروری
رویه	مقابله و مبارزه با خطرها و تهدیدات	پیشگیری از آسیب‌ها آماده‌سازی امکانات	تولید منافع بازسازی سرمایه‌ها
ابزار	زور، قدرت، اجبار	اقتناع، توافق، گفت‌وگو	حمایت، مراقبت، مدارا
بعد	امنیت وجودی	امنیت رفاهی	امنیت معنابخش

مأخذ: نویدنیا، ۱۳۸۹: ۹۱

جدید نباشد، از توان مقابله پلیس کاسته خواهد شد. به عبارت دیگر، برقراری امنیت در گرو توان مقابله با جرمی است که جان افراد را به خطر انداخته و مانع از برقراری امنیت وجودی است.

در کنار دیدگاه پوزیتیویستی مکاتب سازه‌انگاران قرار دارد که به تعبیری حلقه واسط میان دیدگاه‌های پوزیتیویست و پست پوزیتیویستی است. ایمانوئل آدلر^۵، مایکل بارنت^۶، پیتر کاتزنشتاین^۷ و الکساندر ونت^۸ از جمله نظریه پردازان سازه‌انگار محسوب می‌شوند. به اعتقاد آنان، امنیت برابر آسایش دانسته می‌شود و عوامل ایجاد دغدغه، تشویش و از بین رفتن آسودگی و آرامش را ناامنی تلقی می‌کنند. به این ترتیب، نظریه‌پردازان سازه‌انگار برای امنیت، حوزه معنایی گسترده و وسیعی قائل هستند، به گونه‌ای که تمام شئون و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد. آنان بر امنیت رفاهی تأکید دارند و با ایجاد بسترهای دستیابی به رفاه، امکانات و فرصت‌ها، نگرانی‌ها را زدوده و آرامش و آسایش را ایجاد می‌کنند (Sørensen, 2006).

سازه‌انگاران مقابله با جرائم را شرط لازم برای تحقق امنیت می‌دانند؛ اما در این زمینه، بیشتر بر پیشگیری از خطرها، تهدیدها و آسیب‌ها به صورت شرط کافی تأکید دارند. آنان معتقدند در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی اگر مکانیسم‌های پیشگیری صحیح عمل کنند، جرم و تخلفی رخ نخواهد داد و بر این امر تأکید می‌کنند که پیشگیری زمانی قادر به کاهش جرائم و خطرها است که امکانات لازم آماده سازی شده باشند

کنت والتز^۱، مورگنتا^۲، جان میرشایمر^۳ و رندال شویلر^۴ از جمله نظریه پردازان مکتب پوزیتیویست به شمار می‌آیند. به اعتقاد این تئوریسین‌ها امنیت با هدف حفظ و بقای وضع موجود، بر نظم‌بخشی استوار است. این مکتب، پاسداری از وضع موجود را دال بر امنیت دانسته است؛ به این معنا که فرد، گروه، شهر، کشور یا هر مرجع امنیتی دیگر، وقتی قادر به حراست و نگهداری از حیات خود باشد و بتواند هستی خویش را تضمین کند، به امنیت دست یافته است (Pandey et al., 2013). بر این اساس، پوزیتیویست‌ها بر امنیت وجودی تأکید دارند. امنیت در این وادی برابر و مترداف نظم تلقی شده است و هرچه بتوان محیط فرد و افراد جامعه را با قاعده و هنجارها به سمت برقراری نظم سوق داد، امنیت محقق می‌شود. اطاعت افراد از قوانین رسمی جامعه و رفتار مبتنی بر عرف و رسوم جاری نظم زندگی را تضمین می‌کند و امنیت برقرار می‌ماند. در این چشم‌انداز، حوزه معنایی امنیت با نظم اجتماعی هم‌پوشانی دارد (Balzacq, 2005). به اعتقاد آنها برای تحقق نظم و امنیت باید با خطرها و تهدیدات مخل جان و حیات افراد جامعه، مقابله کرد. مهم‌ترین و اساسی‌ترین تهدیدات، جرائم و تخلفات هستند که نظم قانونی جامعه را از بین می‌برند و به شهروندان آسیب می‌زنند. ابزارهای زور و قدرت کارآمدترین تجهیزات برای مقابله با خطرها در نظر گرفته شده‌اند (نویدنیا، ۱۳۸۹) چنان‌که پلیس با قدرت نظامی زیادتر، توان مقابله بیشتری با مجرمان خواهد داشت و بالعکس، هرچه تجهیزات نظامی و ادوات انتظامی کمتر باشد یا مدرن و

⁵ Emanuel Adler

⁶ Michael Barentt

⁷ Peter Katzenstein

⁸ Alexander Wendt

¹ Kenneth Waltz

² Hans Morgenthau

³ John Mearsheimer

⁴ Randall Schweller

برای انسان به ارمغان می‌آورند و آزادی را در روح و جان می‌پرورند. براین اساس، آنها برای تولید، بهره‌وری و افزایش منافع برنامه‌ریزی و تلاش می‌کنند. این امر، به معنای غفلت از خطرها، تهدیدها و جرائم نیست، بلکه توجه بر جنبه‌های انسانی است که سایر مکاتب فراموش کرده‌اند. بی‌عدالتی، فقر، نابرابری، تبعیض و خشونت از جمله مواردی هستند که موجب می‌شوند زندگی از ارزش‌های انسانی تهی شود و بر این مبنا آنها به سلطه و اسارت انسان دامن می‌زنند و آزاداندیشی و آزادزیستی را می‌ربایند. این امور که نامنی تلقی می‌شوند، با قدرت نظامی و اعمال زور از بین نمی‌روند، بلکه باید با حمایت از نیروهای آسیب دیده و مراقبت از آنان، توان از دست رفته را به آنان بازگرداند و ضمن بازسازی سرمایه‌های انسانی به شیوه‌های پشتیبانی و حمایتگری دامن زد تا زمینه‌های بهزیستی فراهم شود. بنابراین، این مکتب بیشتر از سایر مکاتب به وضعیت اقوام، اقلیت‌های مذهبی، زنان و کودکان، اقشار ضعیف، طبقات کارگری و لمپن‌ها، وضعیت تحصیلی، سانسور و محدودیت‌های اطلاعاتی و وضعیت زندانیان توجه کرده است.

با عنایت به این مطالب، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که امنیت شهر به مفهوم تضمین آسودگی و آرامش است و تمام شهروندان، لایه‌های متعددی دارند که حداقل سه نیاز امنیتی عمده، یعنی امنیت وجودی، رفاهی و امنیت معنابخش را در بر می‌گیرد و این نیازها با سازوکارهای امنیتی مخصوص به خود تأمین می‌شوند. به این ترتیب، امنیت وجودی در سایه مقابله با مجرمان و به کمک ابزارهای زور و قدرت تحقق می‌پذیرد و این موضوع در مکاتب پوزیتیویستی مطرح است. امنیت رفاهی مدنظر سازه‌انگاران در بستر فراهم‌سازی امکانات و تسهیلات زندگی قصد دارد از آسیب‌ها پیشگیری کند و آسایش را برای شهروندان به ارمغان آورد؛ درحالی‌که امنیت معنابخش که پست‌پوزیتیویست‌ها از آن سخن گفته‌اند، با حمایت و مراقبت از شهروندان، سرمایه‌های انسانی را تولید و بازسازی می‌کند و آزادزیستی را تحقق می‌بخشد. به عبارت دیگر، برای دستیابی به امنیت وجودی از الگوی سازه‌انگاران استفاده نمی‌شود و باید برای داشتن

و برای هدف امنیتی برنامه‌ریزی و مدیریت شوند (نوبدینیا، ۱۳۸۹). باتوجه‌به این چشم‌انداز، قدرت و زور بهترین و کارآمدترین ابزارهای امنیت بخشی نیستند و باید از ابزارهای ارتباطی و فرهنگی در کنار توان نظامی بهره‌جست؛ یعنی با آموزش، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی از اضطراب، ترس و خطرها کاست و با یادگیری رویه‌های پیشگیری آسودگی و آرامش را فراهم کرد (Kilgour, 2009 به نقل از زنگانه، ۱۳۹۲: ۴۵). پست‌پوزیتیویست، به تعبیری در مقابل پوزیتیویست قرار دارد. پوزیتیویست‌ها بر خطرهای عینی، تهدیدات فیزیکی، مقابله‌های سخت‌افزاری و رویه‌های نظامیگری تأکید دارند؛ درحالی‌که در مقابل پست‌پوزیتیویست‌ها به جنبه‌های ذهنی و فرهنگی، تقابلات نرم‌افزاری و مناسبات تمدنی توجه و از نیازهای مشترک مانند تأمین جان و مال گذر کرده‌اند و به معنابخشی و شکوفایی زندگی معطوف هستند. براین اساس، آنها امنیت معنابخش را مطرح می‌کنند و به این دلیل، حوزه معنایی امنیت در مکاتب پست‌پوزیتیویست‌ها جنبه خاص و ویژه انسانی پیدا کرده که همانا آزادی و آزادپروری است. به اعتقاد این نظریه‌پردازان، امنیت زمانی محقق می‌شود که هر فرد انسانی در انتخاب راه و روش زندگی خود آزاد باشد و امور مطلوب با تدبیر و اندیشه خویش را به دست آورد (سیف‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۳). هیچ‌کس آزادی و اختیار را از انسان دریغ نمی‌کند؛ زیرا در این صورت نامنی بروز می‌کند. به این ترتیب، امنیت مترداف با آزادی است و وقتی انسان آزادانه به دنبال اهداف زندگی خویش باشد، امنیت معنابخش تحقق یافته است و بالعکس، اگر به هر دلیلی چون اجبار، ترس، مجازات و از این قبیل، انسان آزادی خویش را از دست دهد، امنیت نیز از بین رفته است (نوبدینیا، ۱۳۸۹).

استیو اسمیت^۱، استفن وات^۲، اشلی و والکر^۳، کاکس و گیل^۴ از جمله نظریه‌پردازان پست‌پوزیتیویست هستند که بر ایجاد توانمندی، افزایش ظرفیت‌های انسانی و پرورش استعدادهای بشر تأکید دارند و این امور، شایسته‌زیستی را

¹ Steve Smith

² Stephen Walt

³ Ashley & Walker

⁴ Cox & Gill

بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان، به کمک روش نمونه‌گیری (مصاحبه با شهروندان ساکن بافت) هستند. برآورد تعداد جامعه نمونه از راه فرمول کوکران با ضریب اطمینان ۹۵ درصد و ضریب خطای ۵ درصد تعیین شده است. در این بافت تعداد نمونه نیز با احتساب جمعیت ۷۵۰۵۷ نفری آن در سال ۱۳۹۰ به تعداد ۴۹۱ پرسش‌نامه تعیین شده است که این تعداد پرسش‌نامه، به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و متناسب با حجم جمعیت در بین افراد متخصص توزیع می‌شود.

امنیت رفاهی از برنامه‌های پوزیتیویست‌ها بهره برد. لازمه تأمین هر نیاز امنیتی به کارگیری ابزارهای شناخته شده الگوی امنیتی مربوط به آن است.

روش پژوهش

روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و برای شناسایی عوامل مؤثر بر امنیت بافت، به منظور گردآوری داده‌های پژوهش، از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. مبانی نظری از طریق منابع داخلی و خارجی فراهم شده و جامعه تحقیق ساکنین

جدول ۲- تعداد جامعه آماری و نمونه به تفکیک محلات بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان

ردیف	بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان	نام محلات موجود به تفکیک بافت	مشخصه بافت		تعداد	سهم هر طبقه در نمونه آماری
			مترمربع	درصد		
۱	بافت فرسوده شمالی	زینییه - سعیدی شمالی - محله آقارحیم - امجدیه - جعفریه - حق وردی - داوودقلی - دروازه ارک - دروازه رشت - دگرمان ارخی - سرچشمه - شوقی - عباس قلی - غریبیه - فرودگاه - قهرمان - گونیه - مشهدی صفر - مهدی خان - نصرالله خان - همایون - بی سیم	۳۷۹۲۲۰۰	۷۷,۰۷	۱۷۸۷۵	۱۹۵
۲	بافت فرسوده جنوبی	حسینییه - دباغدر - سیدلر - یوخاری قبرستان - محله یری بالا - محله یری پایین	۱۰۰۴۶۳۶	۲۰,۱۴	۵۴۶۸	۱۹۴
۳	بافت بازار*	محله بازار - محله سقار - محله رازبین	۱۲۳۱۶۴	۲,۵	۲۰۱۸	۱۰۲
۴	کل بافت	-	۴۹۲۰۰۰۰	۱۰۰	۲۵۳۶۱	۴۹۱

*محدوده بازار در این تحقیق، منطبق بر محدوده بازار مدنظر برای عملکرد سازمان میراث فرهنگی است

مأخذ: محاسبات نگارنده بر پایه نقشه پایه طرح بافت فرسوده شهر زنجان، ۱۳۸۸

آزمون پایایی پرسش‌نامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است. براساس این روش، به صورت تصادفی و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و نیز به کمک یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ مراجعه‌کننده جامعه مدنظر، میزان پایایی سؤالات مربوط به تحلیل وضعیت امنیت شهری این بافت، بررسی شده است. همچنین، گفتنی است که این بافت فرسوده ۷ مؤلفه و ۶۰ معرف دارد. برای برآورد پایایی اولیه نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده و ضریب آن برای سؤالات عدد ۰/۹۰۶ شده است.

باتوجه به اهداف مختلف پژوهش، از فنون مختلف توصیف و تحلیل آمارها و اطلاعات استفاده شده است. بخش نخست با هدف شناسایی وضعیت حاکم بر امنیت بافت فرسوده شهر زنجان، از طریق مدل‌های هیبریدی تصمیم‌گیری چندمعیاره (TOPSIS-ANP) و تحلیل‌های فضا و با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده شهروندان ساکن در این بافت (از طریق پرسش‌نامه) محقق شده است. بدین وسیله متناسب با نیاز، برای آماده‌سازی و پردازش اطلاعات لازم در دو بخش مذکور، از نرم‌افزارهای SPSS و Arc Gis و برای



نمودار ۲- ترتیب و توالی محاسبه اوزان نهایی عوامل مؤثر بر امنیت بافت فرسوده شهر زنجان

مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۴

محدوده مدنظر

زنجان، از جمله شهرهای میانی کشور و مرکز استان زنجان است که به علت داشتن سابقه طولانی از آن دسته شهرهایی است که دوره‌های مختلف اوج و حضیض را در پویش شهرنشینی پشت سر گذاشته است. این شهر، علی‌رغم داشتن قدمت تاریخی همسنگ با شهرهای شناخته شده، فاقد پیشینه مدون تاریخی است و دیرینگی و قدمت آن، براساس مطالعات انجام شده به اواخر هزاره دوم قبل از میلاد می‌رسد (قرلباش، ۱۳۸۷: ۱۸۱). بعضی از تاریخ‌نگاران زنجان را با شهر «آگانزانا» یکی دانسته‌اند و بطلمیوس از این شهر نام برده است (پرچکانی، ۱۳۸۶: ۱۷۹). نمودی از شکل ظاهری شخصیت پیش از اسلام در این منطقه، پیداشدن اجساد با مومیایی طبیعی معروف به «مردان نمکی» در معدن نمک روستای چهره‌آباد زنجان است که کارشناسان برای آنها عمر ۲۳۰۰ الی ۲۵۰۰ ساله در نظر گرفته‌اند (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۱). بافت فرسوده مرکزی شهر با ۴۹۲ هکتار، تقریباً ۷/۹۷ درصد از کل مساحت آن (۶۱۶۹/۷۷ هکتار) را شامل می‌شود (مهندسان مشاور آرمان شهر، ۱۳۸۸: ۱۶). این بافت، از نظر محل قرارگیری محدوده

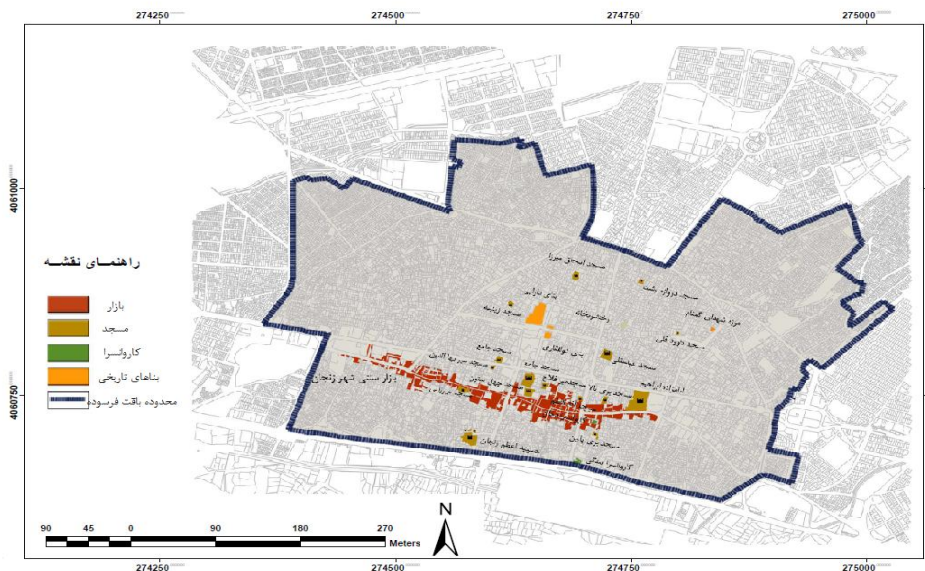
مرکزی شهر زنجان را در بر می‌گیرد. محدوده بافت فرسوده، بر مبنای آخرین طرح تفصیلی مصوب سال ۱۳۸۶ شامل ۸ ناحیه و ۳۱ محله است که نام بعضی از محلات، به دلیل موقعیت استقرارشان در شهر اقتباس شده است؛ مانند محله دروازه ارگ و محله دروازه رشت و برخی دیگر به دلیل وجود نشانه‌ای خاص در آن محله، به این نام موسوم شده‌اند: مانند محله سرچشمه و محله دگرمان ارخی (نهر آسیاب). بعضی دیگر به نام تکیه یا مسجد محله نام‌گذاری شده‌اند: مانند محله تکیه داوودقلی و برخی باتوجه به تجمع‌های صنفی: مثل محله دباغ‌ر (دباغ‌ها) یا محله مسگرها و تعدادی نیز نام خود را از روستای محل سکونت مهاجران گرفته‌اند: مانند محله رازین‌آباد (مشکینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۹۳). محدوده بافت فرسوده، براساس نقشه تقسیمات مناطق سه‌گانه و محلات شهرداری این شهر جزو منطقه سه شهرداری قرار می‌گیرد^۱.

تاریخ شکل‌گیری این قسمت از شهر به سال‌های قبل از

۱ بر مبنای تقسیمات طرح تفصیلی شهر زنجان، محدوده بافت فرسوده شهر ۵۰،۴۰ درصد از منطقه یک، ۲۲،۸۲ درصد از منطقه دو و ۵،۲۹ درصد از منطقه سه را در بر می‌گیرد (مهندسان مشاور آرمان شهر، جلد دوم، ۱۳۸۸: ۶۲). ملاک مطالعات این پژوهش تقسیمات شهرداری زنجان بوده است.

وجود دارد که باید شناسایی و از آنها به بهترین شکل استفاده شود. مهم‌ترین اثر تاریخی موجود در این بافت فرسوده، مجموعه بازار تاریخی شهر زنجان است که از جمله محوطه‌های تاریخی ارزشمند در کشور محسوب می‌شود (سلطانی، ۱۳۷۹: ۵۶).

۱۲۲۰ باز می‌گردد. در دهه اخیر، مداخلات گسترده و غیرهدفمندی در بافت تاریخی شهر زنجان انجام شده و موجب از بین رفتن و کمرنگ شدن بسیاری از ارزش‌های تاریخی موجود در این پهنه شده است؛ با وجود این، هنوز هم فرصت‌های بسیاری برای احیاء ارزش‌های باقیمانده در بافت



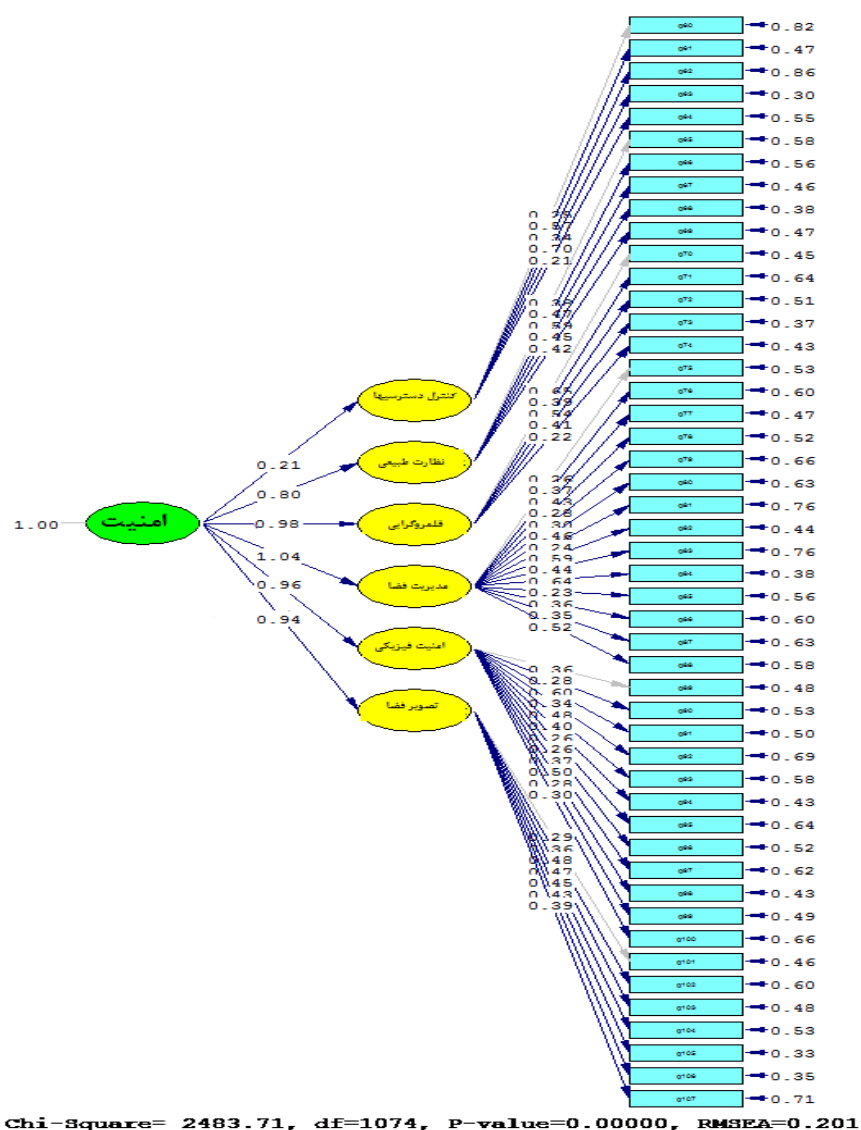
نقشه ۱- موقعیت عناصر تاریخی در محدوده بافت فرسوده

مأخذ: مهندسان مشاور آرمان‌شهر، ۱۳۸۸: ۴۵

بافت فرسوده و گویه‌های مربوط به آن محاسبه می‌شود (نمودار ۳).

تجزیه و تحلیل

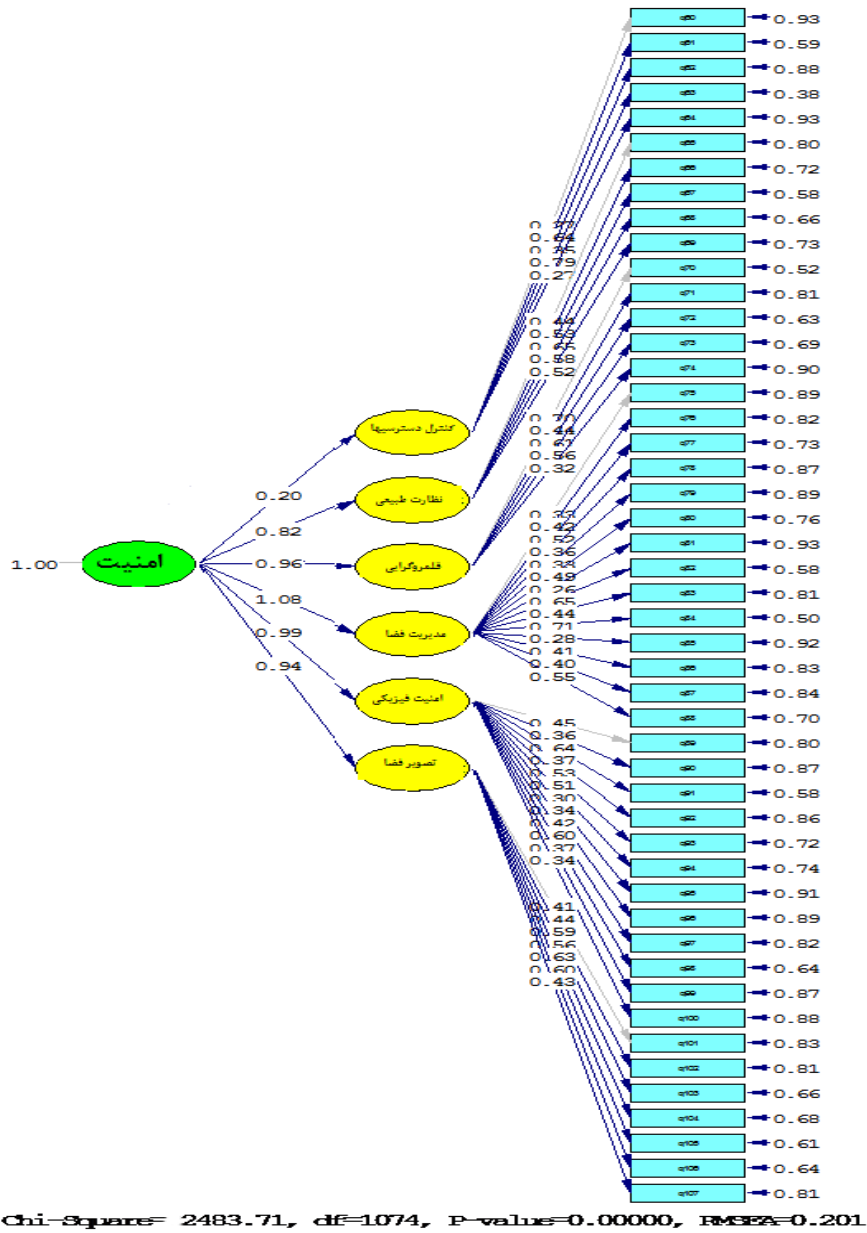
برای تبیین تأثیرگذاری عوامل تعیین و بررسی شده، در این مرحله ابتدا ضریب بتای سازوکارهای مؤثر بر وضعیت امنیت



نمودار ۳- ضریب بتای عوامل مؤثر بر امنیت بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان

مرحله بعد از نشان دادن این شدت تأثیر، ضریب بتای استاندارد شده است. در وضعیت محاسباتی این ضریب، همه گویه‌ها و مؤلفه‌ها به صورت یک شبکه علی در مدل فرض می‌شوند که یک کل منسجم هستند. در این حالت، به شرط معنادار بودن مسیرها شدت تأثیر سنجیده می‌شود (نمودار ۴).

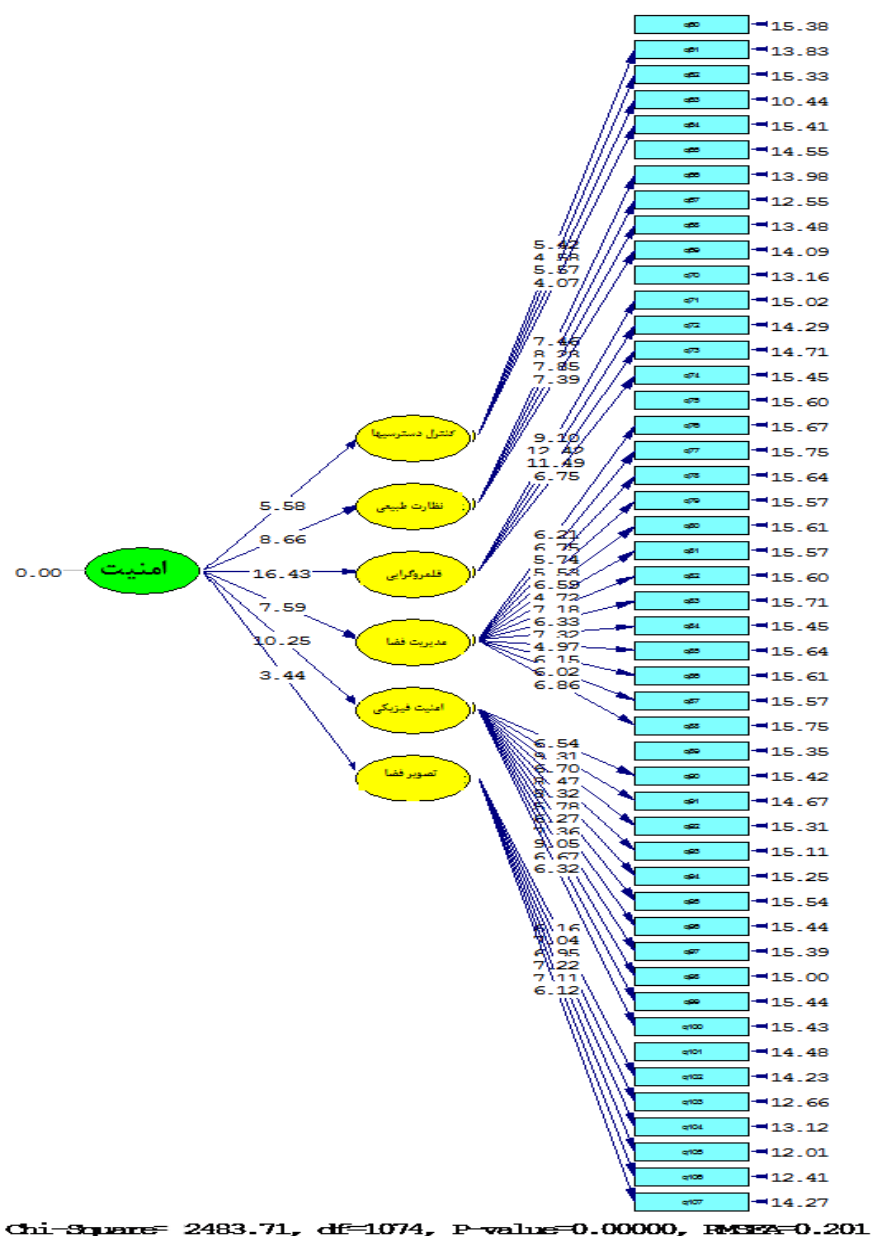
بر مبنای نمودار، از بین معیارهای مطرح شده به ترتیب مدیریت فضا، قلمروگرایی، امنیت فیزیکی، تصویر و نگهداری فضا و کنترل دسترسی‌ها با بار عاملی (غیراستاندارد) ۰,۲۱، ۰,۸۰، ۰,۹۴، ۰,۹۶، ۰,۹۸، ۱,۰۴، بر امنیت بافت فرسوده بخش مرکزی زنجان تأثیر می‌گذارند.



نمودار ۴- استاندارد عوامل مؤثر بر امنیت بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان

تأثیر می‌گذارند. در مرحله سوم، معنادار بودن مسیرهای مختلف مربوط به شبکه تأثیرگذاری (شبکه علی) مدنظر را آزمایش می‌کنند تا از معنادار بودن تمام مسیرهای شبکه تأثیرگذاری مربوط به سازوکارهای مؤثر بر امنیت بافت، اطمینان حاصل شود (نمودار ۵).

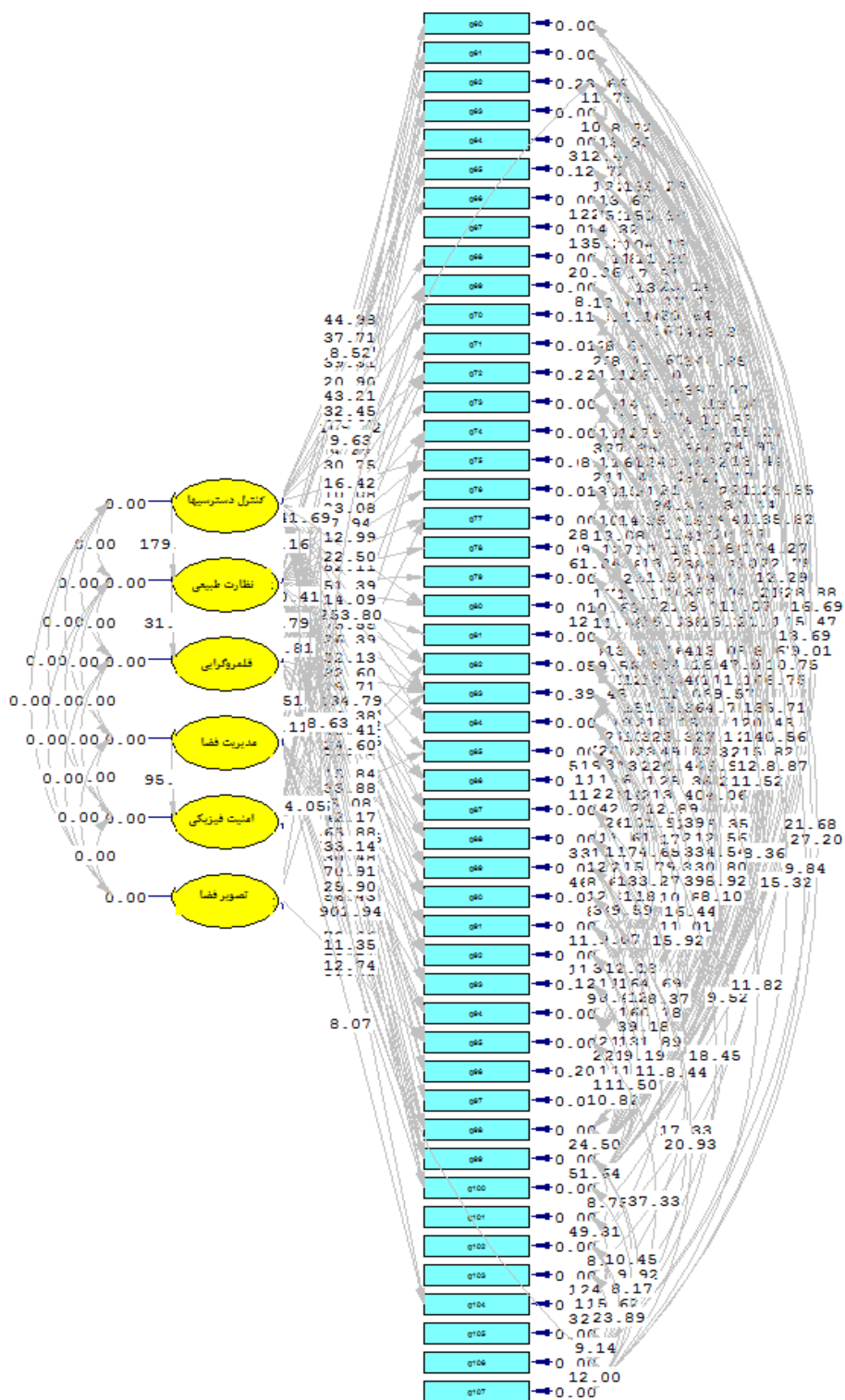
براساس این محاسبات و خروجی معادلات ساختاری، شاخص‌های شش‌گانه مدیریت فضا با بار عاملی (غیراستاندارد) ۱,۰۸، امنیت فیزیکی ۰,۹۹، قلمروگرایی ۰,۹۶، تصویر فضا ۰,۹۴، نظارت طبیعی ۰,۸۲ و درنهایت، کنترل دسترسی‌ها با بار عاملی ۰,۲۰ بر امنیت بافت فرسوده شهر



نمودار ۵- ضریب معناداری عوامل مؤثر بر امنیت بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان

انجام شده در مرحله پیشین پژوهش بوده است و در معادلات ساختاری و تحلیل مسیر، آنها مبنای تفسیر قرار گرفته‌اند. در این مرحله، سعی می‌شود بر ارتباط احتمالی بین گویه‌ها (سنجه‌ها) تأکید شود، چراکه آنها زیربنای توجه به فعالیت متقابل و احتمالی عوامل (براساس احتمال ارتباط سنجه‌ها) هستند (نمودار ۶).

بر مبنای نمودار (۶) در همه مسیرهای مربوط به مدل ساختاری عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر امنیت، ضریب معناداری بیشتر از ارزش عددی ذکرشده بوده است، بنابراین، معنادار بودن مسیرها مشخص می‌شود. سرانجام، در مدل ساختاری مربوط به سازوکار مؤثر بر امنیت بافت فرسوده بخش مرکزی شهر، خوشه بندی گویه‌ها براساس اکتشاف



نمودار ۶- ارتباط عوامل مؤثر بر امنیت بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان با یکدیگر

برآزش مناسبی دارد. همچنین، ریشه خطای میانگین مجذورات RMSEA تقریباً باید کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده، این مقدار برابر با ۰/۰۲۰ است. شاخص‌های GFI (شاخص نکوئی برآزش) و AGFI (شاخص تعدیل شده نکوئی برآزش) به ترتیب برابر ۱/۰۱ و ۱/۱۵ محاسبه شده‌اند و ارزش عددی این شاخص‌ها بدین دلیل که باید بیشتر از ۰/۹۰ باشند، برآزش مدل علی مدنظر برای تبیین عوامل خرد مؤثر بر امنیت بافت فرسوده را نشان می‌دهند.

نمودار تحلیل عاملی (نمودار استاندارد) نشان دهنده میزان قدرت اثر متغیرهای نهفته برون‌زا بر متغیرهای نهفته درون‌زا (مدیریت و نگهداری فضا، امنیت فیزیکی محیط، قلمروگرایی، تصویر فضا، نظارت طبیعی و خط دید و کنترل دسترسی) است؛ بنابراین، باتوجه به نتایج به دست آمده، میزان اثرگذاری عوامل مؤثر بر وضعیت امنیتی موجود در این بافت، این طور اولویت‌بندی می‌شود (جدول ۳).

باتوجه به محاسبات انجام شده، به‌طورکلی درخصوص مدل ساختاری مربوط به عوامل مؤثر بر وضعیت حاکم بر امنیت بافت فرسوده، این استنباط ارائه می‌شود:

در مدل ساختاری مربوط به عوامل مؤثر بر امنیت، سؤال‌های ۱، ۵، ۱۱، ۱۶، ۲۹ و ۴۱ به شکل متغیر مقیاس ثابت مدنظر قرار گرفته و مقادیر t-value آنها گزارش نشده است. مقادیر پارامتر استاندارد شده برای هر یک از ابعاد و گویه‌های مربوط به عوامل مؤثر بر امنیت این بافت، نشان دهنده قدرت بار عاملی بر عامل (متغیر مکنون) بوده است و چنان که ملاحظه می‌شود، تمام مقادیر t محاسبه شده برای ابعاد و گویه‌های مؤثر بر امنیت، بزرگ‌تر از ۱/۹۶ بوده است که این امر، معنادار بودن مسیرها را نشان می‌دهد.

طبق نتایج به دست آمده از مدل معادلات ساختاری مقدار X^2/DF محاسبه شده ۲/۳۱ و عدد به دست آمده کوچک‌تر از ۳ است، بنابراین، مشخص می‌شود که مدل علی مدنظر برای تبیین عوامل کوچک اجتماعی مؤثر بر امنیت این بافت،

جدول ۳- میزان قدرت اثر تمام متغیرهای نهفته برون‌زا (ε، KSI) بر متغیرهای نهفته درون‌زا (η، ETA).

اولویت تأثیر	t	پارامتر استاندارد شده B	برآورد پارامتر	جهت مسیر
عوامل				
۱	۷/۵۹		۱/۰۸	مدیریت و نگهداری فضا
۲	۱۰/۲۵		۰/۹۹	امنیت فیزیکی محیط
۳	۱۶/۴۳		۰/۹۶	قلمروگرایی
۴	۳/۴۴		۰/۹۴	تصویر و نگهداری از فضا
۵	۸/۶۶		۰/۸۲	نظارت طبیعی و خط دید
۶	۵/۵۸		۰/۲۰	کنترل دسترسی

نتیجه و ارائه پیشنهادات

فیزیکی محیط با ضریب معناداری ۱۰،۲۵ و ضریب تأثیر ۰،۹۹، بیشترین تأثیر را بر امنیت بافت داشته است. سایر شاخص‌های مربوط به امنیت نیز به این ترتیب وضعیت حاکم بر امنیت بافت فرسوده را تعیین می‌کنند: قلمروگرایی با ضریب استاندارد ۰،۹۶، تصویر فضا ۰،۹۴، نظارت طبیعی و خط دید ۰،۸۲ و کنترل دسترسی ۰،۲۰. به عبارتی

بر مبنای یافته‌های این جدول، از میان عوامل مؤثر بر وضعیت امنیت بافت، شاخص مدیریت و نگهداری فضا با ضریب معناداری ۷،۵۹ و ضریب تأثیر ۱،۰۴ بیشترین تأثیر را بر وضعیت حاکم بر بافت فرسوده شهر زنجان داشته است. همچنین، در بین شاخص‌های مربوط به امنیت، معیار امنیت

ساخت و ساز و... می بینیم و این امر بدان معناست که وضعیت نسبی امنیت در این محلات، به میزان متوسط متمایل به زیاد است.

مؤلفه قلمروگرایی و گویه های مربوط به آن، در رده سوم تأثیرگذاری بر وضعیت حاکم بر امنیت بافت فرسوده بخش مرکزی شهر قرار می گیرند. هایدگر، عقیده دارد که اجزای اصلی قلمرو «مشخص بودن» و «دفاع» از آن است. همچنین، یکی از مهم ترین آثار محیط، به ویژه در بافت‌های فرسوده «تعلق مکانی» است که تا حدود زیادی با هویت مکانی ارتباط دارد. قلمروگرایی مجموعه‌ای از آن دسته رفتارها و شاخص‌ها محسوب می شود که یک فرد یا گروه بر مبنای مالکیت فرض شده از فضای فیزیکی بروز می دهد؛ درحالی که برای افزایش تعلق خاطر شهروندان نسبت به اموال و دارایی خود و نیز دیگر فضاهای عمومی تلاش می کند.

رتبه چهارم تبیین وضعیت حاکم بر امنیت بافت فرسوده، تصویر و نگهداری از فضا است که معمولاً در محلات شهری، هر محله ای مشخصاتی جدا از دیگر محلات دارد و ظاهر فیزیکی آن، نشان دهنده رفتار و روحیات ساکنانش است. تحقیقات انجام شده نشان می دهند قلمرویی که بد تعریف شده باشد (چه قلمروی خانه و چه قلمروی عمومی) پرخاشگری بیشتری را به وجود می آورد، بنابراین، اگر ساکنین محلات بافت تصویر بدی از محیط داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد بود.

نظارت طبیعی و خط دید نیز جزء نشانه‌هایی هستند که بر وضعیت حاکم بر امنیت بافت تأثیر می گذارند. جاکوبز، درباره خود انتظامی بودن یک خیابان چنین توضیح می دهد: چشم های کسانی که ما همواره آنان را مالکان طبیعی و حقیقی می نامیم، باید همواره خیابان را بنگرند. پیاده‌روهای خیابان باید به صورت مداوم استفاده شوند تا بر تعداد چشم‌های ناظر بر خیابان افزوده و به ساکنان آن، شیوه نظارت آموزش داده شود. او می گوید پیش نیاز اساسی برای مراقبت از محله، تعداد چشمگیری از مغازه‌ها و دیگر فضاهای عمومی است که در

وضعیت حاکم بر امنیت این بافت، ابتدا تابعی از مدیریت و نگهداری فضا بوده و گویه‌های مربوط به مدیریت و نگهداری فضا در سرنوشت کنونی آن تأثیر داشته است. پس باید پذیرفت میان مدیریت و نگهداری محیط محلات با کاهش جرائم و حفظ امنیت، رابطه وجود دارد. نگهداری بهتر از محیط، علاوه بر افزایش قلمروگرایی در میان ساکنان احساس تعلق به فضا را نیز ارتقاء داده است و این حس را القاء می کند که محله فضای امنی دارد. طبق تحقیقات انجام شده پیشین در هر محله میان بستر و فضای ناهنجار با آسیب پذیری جرم ارتباط وجود دارد. این فضاها از آن جمله اند: کوچه‌های تاریک، فضاهای خلوت یا خیلی شلوغی که با آدم‌های ناجور پر شده اند، پیاده‌روهای کم عرض و ورودی به مکان‌هایی که با حضور گدایان، ولگردان و جوانان بسته یا سد می شوند، همچنین، فضاهایی که ممکن است اتفاق‌های خاصی در آنها رخ دهد.

بنابراین، ساختار فیزیکی فضا یا به عبارتی فرم فضا در چگونگی ایجاد یک فضای بدون دفاع، نقشی انکارناپذیر دارد و به همین دلیل، توجه به کیفیت‌های فرم فضا اهمیت پیدا می کند. باید پذیرفت فضای محلات (ساختمان‌ها، خیابان‌ها، پیاده‌روها، پارک‌ها و...) فضاهای رخ دادن جرم نیستند؛ بلکه ساختار و طراحی فضا به پیشگیری و بازدارندگی از فعالیت‌های مجرمانه منجر می شوند و امنیت شهری را بهبود می بخشند یا برعکس، ناامنی به وجود می آورند. اختلال فیزیکی (به طور مثال آشغال، نقاشی‌های دیواری و خرابکاری) و بی فرهنگی در شهر، احساس ناامنی را تقویت می کند؛ همان گونه که تمایل به جرم و جنایت در برخی از محیط‌ها متمرکز است و در برخی دیگر، نسبت به دیگر محیط‌ها میزان بیشتری از ترس وجود دارد. براین اساس، مؤلفه امنیت فیزیکی محیط و گویه های مربوط به آن، وضعیت حاکم بر امنیت محلات بافت فرسوده شهر را رقم می زنند. امروزه در چنین محلاتی (اغلب بخش شمالی بافت) که این وضعیت به نسبت بهتر بوده است، گرایش مهاجران و بخش خصوصی را برای

به معنای کاهش فرصت برای ارتکاب جرم، از طریق استراتژی‌هایی مانند: کنترل سازماندهی شده (نگهبانی) کنترل مکانیکی (قفل‌ها) کنترل طبیعی (تعریف فضای مناسب) و کنترل فیزیکی (حصارها و دیوارها) است. این مقوله در میان معیارهای تأثیرگذار بر وضعیت حاکم بر امنیت شهری این بافت، در رده آخر قرار می‌گیرد.

طول پیاده روهای یک محدوده پراکنده شده زمانی که محله به ساختمان‌های بهسازی شده جدیدی تبدیل شود که بی‌توجهی به خیابان‌ها را در پی داشته باشند؛ کم‌کم خیابان‌ها امنیت خود را از دست می‌دهند.

در نهایت، کنترل دسترسی‌ها فرایندی است که به منظور تشخیص، توقیف یا بازرسی افرادی انجام می‌شود که معیارهای لازم برای دسترسی مجاز را ندارند. کنترل دسترسی

جدول ۴- ارائه پیشنهادات برای ارتقاء میزان امنیت بافت فرسوده بخش مرکزی شهر زنجان

راهکارها	مؤلفه‌ها طبق اولویت تأثیرگذاری
<ul style="list-style-type: none"> ➤ - تقویت بیشتر امنیت به وسیله دستگاه‌های دولتی مانند نیروی انتظامی در حاشیه پارک‌ها و خیابان‌ها در بافت فرسوده ➤ تقویت و ترغیب ساکنان محله برای همکاری با دستگاه‌های ذی‌ربط به منظور برقراری امنیت در محلات بافت ➤ جمع‌کردن متکدیان و معتادان در حاشیه پارک‌ها و ساختمان‌های مخروبه، به‌ویژه در بافت فرسوده جنوبی ➤ افزایش فعالیت‌های شبانه‌روزی مانند داروخانه، سوپرمارکت و... در محلات بافت، به‌ویژه در بافت فرسوده شمالی ➤ ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم، ساختن سالن‌های ورزشی، کتابخانه، پارک و بسیاری از مکان‌های تفریحی برای پرکردن اوقات فراغت ساکنان، خصوصاً جوانان این محدوده تأثیر فراوانی در پیشگیری از جرائم خواهد داشت. ➤ مطابق پژوهش میدانی یکی از خواسته‌های اصلی ساکنان، ایجاد فضاهای گذران اوقات فراغت برای جوانان و کودکان است، چراکه هیچ نوع فضای سبز عمومی و فضای بازی کودکان در محله وجود ندارد. ➤ تعمیر و نگهداری مناسب مبلمان شهری، تابلوها و علائم شهری 	مدیریت و نگهداری فضا
<ul style="list-style-type: none"> ➤ ساماندهی ساختمان‌ها و فضاهای عمومی متروکه و بدون استفاده در محلات بافت ➤ حذف فضاهای غیرضروری و مبهم در ساخت و سازهای جدید در محلات بافت ➤ پرهیز از ساخت مسکن بلندمرتبه و مستعد جرم و تشویق به ساخت خانه‌های تک‌واحدی و دو تا سه طبقه (به اعتقاد نویسنده، ساختمان‌های بلندمرتبه برای خانواده‌های با درآمد زیاد و فرزندان کم، موفق عمل می‌کنند؛ زیرا به دست نگهبان و با کمک ابزارهای امنیتی چون دوربین‌های مداربسته و قفل‌های مخصوص، ساختمان به‌خوبی محافظت می‌شود) به‌ویژه در محلات بافت شمالی ➤ به حداقل رساندن زوایای ساختمان‌ها تا حد امکان، به‌ویژه در محلات بافت ➤ تلاش برای تمام‌کردن هرچه‌زودتر پروژه‌های نیمه‌کاره شهری مثل احداث ساختمان‌های نیمه‌کاره 	امنیت فیزیکی محیط
<ul style="list-style-type: none"> ➤ برای تقویت قلمروگرایی لازم است به معیارهای شهروندان به‌منظور ارزیابی و انسجام مکان زندگی توجه کرد. ➤ در طراحی فضاها باید به تنوع و تفاوت‌های فرهنگی شهروندان توجه کرد و فضاهایی متناسب با افراد آن محل و متناسب با زمینه اجتماعی و فرهنگی آن ایجاد کرد. ➤ تقویت قلمروگرایی برای شهروندانی که در فضاهایی با استفاده و کاربری‌های شبانه‌روزی هستند، مهم‌تر از شهروندانی است که در فضاهایی با کاربری‌های روزانه به سر می‌برند. 	قلمروگرایی
<ul style="list-style-type: none"> ➤ استفاده از آموزه‌های نظریه پنجره‌های شکسته باید مدنظر قرار گیرد. وجود علائم خرابکاری در یک ساختمان، درآینده امکان وقوع بزه را در آنجا افزایش می‌دهد؛ بنابراین، باید خرابی‌های رخ داده را هرچه سریع‌تر برطرف کرد. به همین دلیل، استفاده از مصالح و لوازمی با امکان خرابی کمتر، بسیار مؤثر است. وجود بعضی علائم بی‌نظمی در نمای ساختمان در کاهش کیفیت امنیت آن نقش بسزایی دارد و باید آنها را برطرف کرد. از جمله این بی‌نظمی‌ها اموری چون دیوارنویسی‌ها یا برجسب‌های تبلیغاتی ذکر می‌شوند. چنان‌چه دیوارنویسی‌ها کنترل نشوند، باید منتظر خرابکاری‌های بعدی و به‌تبع آن، مناسب‌شدن محیط برای ارتکاب جرم بود. ➤ ایجاد روشنایی کافی و بهبود نورپردازی در معابر و مکان‌های خلوت، از جمله اقداماتی است که فضاسازی برای 	تصویر و نگهداری از فضا

اعمال مجرمانه را کاهش می‌دهد و کنترل جرائم را در این مناطق آسان‌تر می‌کند. تاریکی از آن دسته عواملی است که به شدت میزان کنترل اجتماعی را کاهش می‌دهد و این امر، باعث می‌شود تا احتمال وقوع برخی جرائم بیشتر شود؛ زیرا بعضی از جرائم تا حدود زیادی نیازمند و متکی به محیط تاریک هستند.

- استفاده از نیروهای مردمی در خیابان‌ها
- استفاده از محوطه‌سازی، حفاظ و نرده در طراحی شهر
- نظارت اعم از نظارت طبیعی یا با استفاده از وسائلی مانند دوربین مداربسته، باعث می‌شود فعالیت مجرمانه کاهش یابد. به طور خلاصه، نظارت به این معناست که بفهمیم مردم در حال انجام چه کاری هستند. مردم در مناطق عمومی که امکان دیدن و دیده شدن در آنها بیشتر است، احساس امنیت بیشتری دارند. سه سازوکار برای تسهیل مراقبت طبیعی پیشنهاد می‌شود: الف) استفاده متنوع از ساختمان‌های بازار، ب) طرح و منظره پلاک‌ها و ج) استفاده از نور و روشنایی.
- ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای برقراری امنیت، مانند چراغ‌های شبانه در بافت
- تعبیه پنجره رو به تمام فضاهای شهری اعم از خیابان، کوچه، میدان، میدانچه و پیاده رو برای ایجاد فرصت به منظور افزایش چشم‌های ناظر در محلات بافت
- تأمین روشنایی مناسب و استاندارد، به‌ویژه برای فضاهای آسیب‌پذیر و خصوصاً در لایه‌های زیرین محلات بافت
- کاربری‌های خرده‌فروشی در مجتمع‌های مسکونی باید نقش نظارتی محله را داشته باشند.
- علایم و تابلوها بهتر است خبری و بازدارنده (مانند ورود به این فضا ممنوع است) باشند و در آنها از نمادها و سمبل‌های استاندارد استفاده شود.

نظارت طبیعی و خط دید

➤ آرام کردن معابر عریض در مرکز بافت و یک‌طرفه کردن مسیرهای ورودی به محلات که از جمله مهم‌ترین عوامل محرک در این زمینه، این موارد هستند: شلوغی بیش از حد خیابان‌ها و معابر این منطقه بر اثر رفت و آمد افراد پیاده و سواره و سروصدای ناشی از آنها، انباشتگی شدید ساختمان‌ها، کمبود فضا، فرسودگی و کثیفی نماها و ترکیب ناهماهنگ بناهای مجاور.

- دسترسی محدود: از ایجاد شکاف‌ها در خیابان جلوگیری شود. برای مثال ورودی حیاط‌های داخلی که ممکن است پس از تاریکی هوا محیطی خلوت ایجاد کند.
- گیاهان کوتاه بین مسیرهای پیاده و سواره طراحی شوند.
- گذاشتن تلفن‌های اضطراری حتی به‌صورت مجانی به‌ویژه برای دسترسی‌هایی که مربوط به کاربری‌های حساس و باارزش هستند.
- محل استقرار ایستگاه‌های اتوبوس نزدیک ورودی‌ها باشد، نه در جاهای خلوت.
- اصلاح روشنایی معبر

کنترل دسترسی

➤ ایجاد صندوق‌هایی برای ارائه پیشنهادها و نظرهای مردم و ارتباط مردم با پلیس در شهر

➤ ایجاد سایت‌هایی برای آشنایی بیشتر مردم با خدمات پلیس زنجان و ارائه نظرها و پیشنهادهای مردم

➤ برگزاری همایش و نشست‌های علمی پلیس با نخبگان و مراکز دانشگاهی

➤ افزایش نظارت پلیسی و امنیتی در فضاهای عمومی که به علت موقعیت توریستی بافت، به خصوص در مواقع پرتراکم مثل ایام تعطیل، استفاده‌کنندگان و کاربران از این فضاها چند برابر می‌شوند.

➤ نظام انتظامی و قضایی باید بعضی از مسئولیت‌ها را به مردم و گروه‌های اجتماعی واگذار کند.

➤ ضرورت دارد این گونه طرح‌های شناسایی به کمک یک تیم متخصص در شورایی متشکل از مسئولان مدیریت شهری مطرح شوند تا همه با این بحث و چالش‌های آشنایی پیدا کنند. همچنین، به نوعی با کار آسیب‌شناسی شهری آمیخته شوند و برای بهبود اوضاع فعلی تصمیم‌های مناسبی بگیرند.

ارائه راهبردهای انتظامی برای تقویت امنیت بافت

- تجهیز مراکز انتظامی شهر زنجان به سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی و پایگاه‌های داده‌های مکانی برای تسهیل در خدمات رسانی امنیتی و زمینه کشف جرم (تهیه و ایجاد بانک اطلاعاتی زمین مرجع درباره تمام جرائم) تعقیب و دستگیری مجرمان و تشخیص و کنترل مکان‌های بالقوه جرم‌خیز و مجرم‌پرور شهر
- به منظور دستیابی به امنیت شهری پایدار در زمینه پیشگیری از جرائم و خشونت‌های شهری تلاش‌های جدی برای همکاری فنی و علمی در قالب برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متمرکز شوند.
- برای تحقق امنیت شهری پایدار، این قانون‌ها در نظر گرفته شوند: مشارکت مردم، کیفیت زندگی، عدالت محوری، حفاظت محیطی، رضایتمندی مردم و رفع نیازهای اساسی.

منابع

- بوزان، ب. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پرچکانی، ح. (۱۳۸۶). توسعه فیزیکی شهر زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
- تاجران، ع. ا. و کلاکی، ح. (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهرانی»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، دوره ۴، ش ۴، ص ۵۸۶-۵۶۱.
- حیدری، ت. و کلانتری، م. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی بافت تاریخی شهرها در برابر بزهکاری با تأکید بر بازار سنتی زنجان، زنجان: نشر آذرکلک.
- زنگانه، ا؛ جان، ب؛ زنگانه، ا. و امیرحاجلو، ا. (۱۳۹۲). زوال شهری، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد خوارزمی.
- سلطانی، ر. (۱۳۷۹). «زنجان به روایت مینورسکی»، فصلنامه فرهنگ زنجان، س ۱، ش ۱، ص ۴۵-۳۵.
- صالحی، ا. (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاها شهری امن، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی و معماری.
- عبداللهی حقی، م. (۱۳۸۳). پیشگیری از جرم از طریق برنامه ریزی کاربری اراضی شهری مورد تحقیق سرقت در شهر زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
- عبدی، ت؛ شرافتی پور، ج. و سجادی، غ. ر. (۱۳۸۸). «تأثیر عملکرد پلیس اجراییات در افزایش احساس امنیت شهروندان مراجعه کننده به بوستان‌های تهران»، مطالعات مدیریت انتظامی، س ۴، ش ۴، ص ۶۰۰-۵۸۷.
- عسگری تفرشی، ح. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل محیطی مؤثر در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری برای افزایش امنیت محلی (نمونه موردی بافت فرسوده محله
- نعمت آباد منطقه ۱۹ تهران)»، نشریه هویت شهر، س ۴، ش ۶، ص ۵۴-۳۴.
- قرایی، ف؛ رادجهانبانی، ن. و رشیدپور، ن. (۱۳۸۹). «بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری»، آرمان شهر، د ۳، ش ۴، ص ۳۲-۱۷.
- قزلباش، س. (۱۳۸۷). ناهنجاری‌های کالبدی در مناطق اسکان غیررسمی شهرها و تأثیر آن بر وقوع ناهنجاری‌های اجتماعی مورد مطالعه منطقه اسکان غیررسمی بی سیم در شهر زنجان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان.
- کلارک، ر. (۱۳۸۷). «نظریه پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی»، ترجمه: محمدحسن جعفریان، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، س ۳، ش ۳، ص ۱۲۳-۱۰۲.
- کلانتری، م؛ صالحی، ر؛ بیات رستمی، ر. و کرمی، ا. (۱۳۸۹). «تحلیل فضای الگوهای بزه سرقت در بخش مرکزی شهر زنجان با استفاده از سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS)»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، ش ۲۴، ص ۱۶۰-۱۴۱.
- مازلو، آ. اچ. (۱۳۷۵). انگیزش و شخصیت، ترجمه: احمدرضوانی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مشکینی، ا. (۱۳۸۶). بافت قدیم شهر زنجان و بررسی روش‌های مؤثر در ساماندهی آن، زنجان: نشر استانداری زنجان.
- مهندسان مشاور آرمان شهر. (۱۳۸۸). مطالعات وضع موجود بافت فرسوده شهر زنجان، جلد اول، زنجان: نشر مسکن و شهرسازی استان زنجان.
- نویدینیا، م. (۱۳۸۹). «اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران»، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، س ۲، ش ۲، ص ۹۹-۸۷.
- Balzacq, T. (2005) *The Three Faces of Securitization:*

- Political Agency, Audience and Context*, First Published June 1, 2005 Research Article.
- Cozens, P.M. Saville, G. Hillier, D. (2000) "Crime Prevention Through Environmental Design", *PropertyManagement*, 23(15):238.
- Jacobs, A. and Donald, A. (1987) "Toward an Urban Design Manifesto", Apa Journal, oxford Press, p.32-125.
- Newman, O. (1973) *Defensible Space People and Design in the Violent City*. London, Architectural Press, p.110-112.
- Pandey, Rama U. (2013) "Understanding Qualitative Conceptions of Livability: An Indian Perspective", *Ijret: International Journal of Research in Engineering and Technology*, 2(12):374-379.
- Sørensen, G. (2006) "What Kind of World Order? A Response to Critics", Cooperation and Sustainability, University of California Press, p. 345_375.